



۱۰۵۷۸۲



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

بررسی رابطه بین نابرابری توزیع در آمد و رشد اقتصادی در کشورهای

عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۲۰۰۵ - ۱۹۶۰ میلادی)

استاد راهنما :

دکتر حسین پیراسته

استاد مشاور :

دکتر سیدکمیل طیبی

پژوهشگر:

الهام ورقائی

مهرماه ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۲۸

۱۵۰۷۸۳

کتابخانه‌های بزرگ اسلامی  
فهرست‌ها

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق  
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه  
اصفهان است.

شبهه نگارش پایان نامه  
رعایت شده است  
تخصصیات تکمیلی دانشگاه اصفهان



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

بررسی رابطه بین نابرابری توزیع در آمد و رشد اقتصادی در کشورهای  
عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۲۰۰۵ - ۱۹۶۰ میلادی)

در تاریخ ۸۶/۷/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء  
امضاء  
امضاء

با مرتبه‌ی علمی دانشیار

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسین پیراسته

با مرتبه‌ی علمی دانشیار

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر سید کمیل طیبی

با مرتبه‌ی علمی استاد

۳- استاد داور داخل گروه دکتر مصطفی عماد زاده

با مرتبه‌ی علمی دانشیار

۴- استاد داور خارج گروه دکتر مهدی جمشیدیان  
ارشد

امضای مدیر گروه

اکنون که به یاری خداوند متعال این پایان نامه به اتمام رسیده است، امیدوارم که توانسته باشم گامی هرچند کوتاه در عرصه علم و دانش بردارم. در اینجا بر خود لازم می دانم از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر حسین پیراسته که مرا از راهنمایی های ارزنده شان بهره مند ساختند و آقای دکتر سید کمیل طیبی که معلم علم و اخلاق بودند و مشاوره و رهنمودهای ایشان برایم مغتنم بود کمال تشکر و امتنان را دارم.

تقدیم به پدر و مادر بزرگوارم

## چکیده

ارتباط بین نابرابری توزیع درآمدی و رشد اقتصادی یکی از عرصه های چالش برانگیز علم اقتصاد در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. کوزنتس و کالدور در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی اولین نظریات را در تبیین رابطه میان نابرابری توزیع درآمدی و رشد اقتصادی ارائه نمودند و می توان گفت نظریات آنان تا دهه ۱۹۹۰ میلادی تنها نظریات موجود در این زمینه به شمار می آمدند. به هر حال، اقتصاد دانان، از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بررسی نظری این ارتباط پرداخته و به نتایج متفاوتی دست یافتند. به همین دلیل و نیز به جهت اهمیت موضوع، در آن دهه مطالعات بسیاری برای تبیین رابطه میان نابرابری توزیع درآمدی و رشد اقتصادی انجام گرفت.

هدف این پژوهش تعیین اثر نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تعیین اثر رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تعیین اثر متغیرهای کنترل در نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و بررسی صحت فرضیه کوزنتس مبنی بر افزایش نابرابری توزیع درآمد در ابتدای مسیر رشد اقتصادی و کاهش آن پس از رسیدن به سطح معینی می باشد. به دنبال این اهداف، در این تحقیق ابتدا به تحلیل و بررسی نظریات اولیه و نوین درباره رابطه نابرابری توزیع درآمدی و رشد اقتصادی پرداخته شده است به طوری که به مطالعات گوناگون اعم از مطالعات بین کشوری و داخل کشوری که ارتباط بین رشد و نابرابری توزیع درآمدی را مورد ارزیابی قرار داده اند، پرداخته شده است. سپس در بخش مطالعه تجربی و ارزیابی مدل، این ارتباط میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۶۰ با استفاده از داده های تابلویی مربوط به ۲۳ عضو این سازمان برآورد و تجزیه و تحلیل شده است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نابرابری توزیع درآمدی (اندازه گیری شده با استفاده از ضریب جینی) بر رشد اقتصادی اثر معکوس و معناداری دارد. این در حالی است که رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمدی اثری ندارد. همچنین نتایج به دست آمده بیان می کنند که متغیرهای کنترل (مانند سرمایه انسانی، رابطه مبادله، زاد و ولد و...) بر این ارتباط موثر بوده اند. در آخر برآوردها فرضیه کوزنتس مبنی بر وجود رابطه ای U-وارون میان نابرابری توزیع درآمدی و رشد اقتصادی را تایید نمی کنند.

**واژگان کلیدی:** رشد اقتصادی، نابرابری توزیع درآمدی، داده های تابلویی (Panel Data)، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC).

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

۱-۱-مقدمه.....	۱
۲-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....	۲
۳-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۳
۵-۱- فرضیه ها یا سوالات تحقیق.....	۴
۶-۱- روش تحقیق.....	۴
۱-۶-۱-نوع مطالعه.....	۴
۲-۶-۱-جامعه آماری.....	۵
۳-۶-۱-منابع گردآوری داده ها.....	۵
۴-۶-۱- ابزار تجزیه و تحلیل.....	۵
۷-۱- کاربرد نتایج.....	۵
۸-۱- تعریف واژه های عملیاتی.....	۶

### فصل دوم : مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱- مقدمه.....	۸
۲-۲- مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی.....	۹
۳-۲- نظریات اولیه مربوط به رابطه بین رشد و نابرابری.....	۱۲
۴-۲- ارتباط متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد: نظریات نوین.....	۱۶
۱-۴-۲- مدل تعادل سیاسی - اقتصادی.....	۱۷
۲-۴-۲- ناکامل بودن بازار سرمایه.....	۲۱
۳-۴-۲- اثر ناپایداری سیاسی - اجتماعی بر سرمایه گذاری.....	۲۶
۵-۲- مروری بر مطالعات انجام شده.....	۲۸
۶-۲- خلاصه و نتیجه گیری.....	۳۸

### فصل سوم: روش تحقیق

۱-۳- مقدمه.....	۴۱
۲-۳- ارائه مدل.....	۴۲



۴۲	..... ۳-۲-۱- نرخ رشد
۴۳	..... ۳-۲-۲- ضریب جینی
۴۵	..... ۳-۲-۳- زاد و ولد
۴۵	..... ۳-۲-۴- مخارج دولت
۴۵	..... ۳-۲-۵- رابطه مبادله
۴۵	..... ۳-۲-۶- پاداش بازار سیاه
۴۵	..... ۳-۲-۷- پایداری سیاسی
۴۶	..... ۳-۲-۸- سرمایه انسانی
۴۷	..... ۳-۳- منابع داده ها
۴۸	..... ۳-۳-۱- تاریخچه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)
۵۰	..... ۳-۳-۲- دوره آزمون
۵۲	..... ۳-۳-۳- روش تخمین
۵۴	..... ۳-۳-۴- آزمون فرضیه ها
۵۵	..... ۳-۳-۵- محدودیت های تحقیق
۵۵	..... ۳-۳-۵- خلاصه و نتیجه گیری

#### فصل چهارم : برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

۵۷	..... ۴-۱- مقدمه
۵۸	..... ۴-۲- برآورد مدل نهایی
۶۲	..... ۴-۳- تحلیل نتایج
۶۳	..... ۴-۴- آزمون فرضیه ها
۶۶	..... ۴-۵- خلاصه و نتیجه گیری

#### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۶۷	..... ۵-۱- مقدمه
۶۹	..... ۵-۲- نتیجه گیری
۷۰	..... ۵-۳- پیشنهادات

۷۱	۵-۳- توصیه های سیاستی.....
۷۲	پیوست شماره ۱.....
۷۳	پیوست شماره ۲.....
۷۴	پیوست شماره ۳.....
۷۵	پیوست شماره ۴.....
۷۶	پیوست شماره ۵.....
۸۰	پیوست شماره ۶.....
۸۱	منابع و ماخذ.....

## فصل اول:

### کلیات

#### ۱-۱- مقدمه

تبیین ارتباط متقابل بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی از عرصه های چالش برانگیز نظریه ی اقتصاد است. رابطه ی بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی عمدتاً مورد توجه نهاده های سیاستگذاری قرار می گیرد. با این حال، برنامه ریزی سیاستگذاران اقتصادی باید به گونه ای باشد که امکان دستیابی به هر دوی این مؤلفه ها وجود داشته باشد. اینکه وجود سطحی از نابرابری درآمد در جامعه فدای تسریع و پیشرفت رشد اقتصادی گردد و یا برای تعدیل و برابری توزیع درآمد و وجود عدالت اقتصادی، کند شدن رشد اقتصادی را پذیرفت، سؤالاتی است که همواره پیش روی سیاستگذاران قرار دارد. بنابراین، بررسی و تبیین نظری و تجربی رابطه بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی می تواند پاسخی برای پرسش های اساسی برنامه ریزان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد که با هر دو مشکل پایین بودن نرخ رشد اقتصادی و نیز شکاف درآمدی شدید دست به گریبانند. در این فصل ابتدا به شرح و بیان مسئله پژوهشی پرداخته و سپس اهمیت و ارزش تحقیق مورد بررسی

قرار می گیرد. در ادامه، پس از مطرح شدن اهداف و فرضیه های تحقیق، خلاصه ای از روش تحقیق و واژگان عملیاتی بیان می گردند.

### ۱-۲- شرح و بیان مسئله پژوهشی

در این مطالعه منظور از نابرابری، نحوه ی توزیع متفاوت درآمد بین افراد جامعه است. علی رغم این که مفهوم توزیع درآمد بر اساس ساده ترین مفاهیم اقتصادی قابل تعریف است، اما هنوز به دلیل عدم یافتن راهبرد عملی برای رفع نابرابری توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه، به گونه ای که سازگار با رشد اقتصادی این کشورها باشد، به عنوان یک چالش بزرگ در برابر اقتصاد دانان توسعه قرار دارد.

رشد اقتصادی به معنای گسترش و توسعه ی امکانات و ظرفیت های اقتصاد در دوره ی زمانی معین زمانی است. به این ترتیب توزیع درآمد به چگونگی توزیع امکانات بین افراد جامعه بستگی دارد. از طرفی، این که رشد اقتصادی در بلند مدت تا چه حد موفقیت آمیز باشد، به این بستگی دارد که عوامل تأثیر گذار، از جمله مسئله ی توزیع درآمد را در برنامه های رشد اقتصادی لحاظ کنیم.

تبیین ارتباط متقابل بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی از عرصه های چالش برانگیز نظریه ی اقتصاد است. رابطه ی بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی عمدتاً مورد توجه نهاده های سیاستگذاری قرار می گیرد. با این حال، برنامه ریزی سیاستگذاران اقتصادی باید به گونه ای باشد که امکان دستیابی به هر دوی این مؤلفه ها وجود داشته باشد. اینکه وجود سطحی از نابرابری درآمد در جامعه فدای تسریع و پیشرفت رشد اقتصادی گردد و یا برای تعدیل و برابرسازی توزیع درآمد و وجود عدالت اقتصادی، کند شدن رشد اقتصادی را پذیرفت، سؤالاتی است که همواره پیش روی سیاستگذاران قرار دارد. بنابراین، بررسی و تبیین نظری و تجربی رابطه بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی می تواند پاسخی برای پرسش های اساسی برنامه ریزان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد که با هر دو مشکل پایین بودن نرخ رشد اقتصادی و نیز شکاف درآمدی شدید دست به گریبانند.

از دیگر سو، با توجه به مقولات ارزشی نظام اقتصاد اسلامی و توجه و تاکید دین مبین اسلام بر عدالت اجتماعی و اقتصادی، بررسی ارتباط متقابل توزیع درآمد و رشد اقتصادی به خصوص در کشورهای اسلامی که تحت پیروی دین اسلام قرار دارند، اهمیت مضاعفی را پیدا می کند. در این مطالعه نیز، تاثیر نابرابری

توزیع درآمد بر رشد اقتصادی و نیز تاثیر رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد. این بررسی در چارچوب های نظری و تجربی رشد و توزیع درآمدی انجام می شود، به گونه ای که نتایج برآوردی می توانند به چگونگی شدت تأثیرات متقابل رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی پردازد. در عمل کشورهای اسلامی با شناخت این ارتباط در راستای همگرایی های اقتصادی در راستای تعدیل نابرابری ها گام های اساسی بر می دارند.

### ۱-۳- اهمیت و ارزش تحقیق

توسعه مفهومی ارزشی است و اگرچه در مورد معیارها و شاخص های توسعه توافق عمومی وجود ندارد، اما برخی اقتصاددانان تساوی اقتصادی و اجتماعی را از جمله معیارهای توسعه دانسته اند و برخی نیز درآمد ملی یا تولید ملی سرانه را شاخصی برای توسعه اقتصادی می دانند. در یک کشور خاص ممکن است متوسط تولید ناخالص سرانه ی ملی افزایش یابد، اما در عین حال نابرابری نیز بیشتر شود؛ یعنی فقیران فقیرتر شده و دیگر اهداف توسعه رشد منفی داشته باشد. در چنین وضعی ممکن است رشد اقتصادی با توسعه نیافتگی همراه باشد. بنابراین همان طور که مایکل تودارو<sup>۱</sup> در کتاب "توسعه ی اقتصادی در جهان سوم" می نویسد: "توسعه ی اقتصادی نمی تواند صرفاً از دیدگاه سطح و رشد کل درآمد ملی یا درآمد سرانه اندازه گیری شود و باید در نظر گرفت که این درآمد چگونه بین جمعیت توزیع می شود-چه کسی از توسعه منتفع می شود." (تودارو، ۱۳۶۴)

با توجه به پدیده ی فقر، یعنی وجود افرادی که از دسترسی به حداقلی از رفاه که استاندارد آن جامعه محسوب می شود، محروم هستند، و از آن جا که اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل سطح متوسط درآمد ملی و درجه ی نابرابری توزیع درآمد می باشد، بررسی رابطه ی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی که می تواند منجر به تضعیف یا تقویت هر کدام شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. همچنین با توجه به تأکید دین مبین اسلام بر عدالت اقتصادی و اجتماعی، بررسی این رابطه به خصوص در کشورهای اسلامی اهمیت بیشتری می یابد. به ویژه تحلیل این ارتباط می تواند دلایل افزایش نابرابری توزیع درآمد را در این کشورها بیان نموده و با شناخت این علل و بررسی راهکارها و سیاست های از بین بردن آنها و جایگزینی راه حل های مناسب،

<sup>۱</sup> - Todaro

گام های بلندی در جهت تعدیل هر چه بیشتر این نابرابری- که از جمله اهداف نظام های اسلامی است - برداشت.

به طور کلی اهمیت تحقیق زمانی مشخص می گردد که در یک چارچوب نظری و تجربی به بررسی شدت عوامل تأثیر گذار در رشد و توزیع درآمد کشورهای اسلامی پردازد.

#### ۴-۱- اهداف تحقیق

- ۱- تعیین اثر نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی<sup>۱</sup>
- ۲- تعیین اثر رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
- ۳- تعیین اثر متغیرهای کنترل در نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی
- ۴- بررسی صحت فرضیه کوزنتس مبنی بر افزایش نابرابری توزیع درآمد در ابتدای مسیر رشد اقتصادی و کاهش آن پس از رسیدن به سطح معینی.

#### ۵-۱- فرضیه ها یا سوالات تحقیق

- ۱- نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مؤثر بوده است.
- ۲- رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مؤثر بوده است.
- ۳- متغیرهای کنترل (تورم، نرخ باروری، سرمایه انسانی، پایداری سیاسی، پاداش بازار سیاه، مخارج دولت و رابطه مبادله) بر نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی کشورهای عضو OIC مؤثر بوده اند.
- ۴- در مسیر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، نابرابری توزیع درآمد در دوره زمانی مورد بررسی ابتدا افزایش یافته و پس از رسیدن به سطح معینی، کاهش می یابد.

#### ۶-۱- روش تحقیق

##### ۶-۱-۱- نوع مطالعه

این مطالعه توصیفی، تجربی و تحلیلی است که در آن برای بررسی و آزمون فرضیه ها از تصریح مدل های رشد استفاده می شود. در این خصوص چارچوب نظری و تجربی معادلات رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی منطبق بر بررسی نقش عوامل تعیین کننده مطالعه می گردد. فرم تابعی این روابط با پیروی از بارو (۱۹۹۹)، پانیزا (۲۰۰۲) و ناهوم (۲۰۰۵) به صورت

<sup>۱</sup> - Organization of the Islamic Conference

زیرارائه می شود که درحین این مطالعه نهایی شده و سپس با استفاده از روش داده های تابلویی (Panel Data) برآورد و نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

### ۱-۶-۲-جامعه آماری

جامعه ی آماری مورد نظر ۲۳ کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی (OIC) است، به طوری که رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی این کشورها در دوره ۲۰۰۵-۱۹۶۰ بررسی می گردد.

### ۱-۶-۳-منابع گردآوری داده ها

آمار و اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع معتبر کتابخانه ای مانند گزارشات آماری صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و نرم افزاری مانند لوح فشرده شاخص های اقتصادی جهانی (World Table Indicators CD-ROM 2005) و همچنین سایت های اینترنتی تهیه شده است. لازم به ذکر است که از سایت بارو و دینینگر و اسکوایر برای اطلاعات و داده های مربوط به ضریب جینی استفاده گردیده در صورتی که سایر داده های مربوط به متغیرهای کلان از منابع فوق الذکر به دست آمده است.

### ۱-۶-۴- ابزار تجزیه و تحلیل

تصریح فرم نهایی مدل های رگرسیونی رشد و نابرابری درآمدی در کشورهای عضو OIC است که از طریق آزمون های متعددی قابلیت نتایج، که عمدتاً مبتنی بر روش داده های تابلویی است، مورد مطالعه قرار می گیرد. نرم افزارهای مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: Excel, Eviews.

### ۱-۷- کاربرد نتایج

این بررسی در چارچوب های نظری و تجربی رشد و توزیع درآمدی انجام می گیرد، بنابر این نتایج حاصل می توانند چگونگی شدت تأثیرات متقابل نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی را در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی برآورد کنند. در عمل کشورهای اسلامی با شناخت این ارتباط در راستای همگرایی های اقتصادی در جهت تعدیل نابرابری ها گام های اساسی بر می دارند.

از دیگر سو، در این مطالعه سرمایه انسانی به عنوان یک متغیر کنترل مد نظر قرار می گیرد، به گونه ای که سیاستگذاران کشورهای اسلامی با مطالعه ی تأثیرگذاری این عامل قادر به تنظیم سرمایه گذاری های انسانی از

طریق همکاری در آموزش و پرورش و تأمین منابع مالی آموزشی برای تعدیل نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی خواهند بود.

### ۸-۱- تعریف واژه های عملیاتی

#### • نابرابری توزیع درآمدی<sup>۱</sup>

تفاوت درآمدی بین افراد، خانوارها یا گروه های مختلف در مناطق و یا کشورهای مختلف را نابرابری درآمدی گویند. نابرابری درآمدی بین افراد، خانوارها و گروه ها منجر به تفاوت در فرصت ها و امکانات مختلف اقتصادی می گردد (بلک، ۲۰۰۳).<sup>۲</sup>

#### • رشد اقتصادی<sup>۳</sup>

عبارت است از افزایش مداوم درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی طی یک دوره ی زمانی معین. این افزایش به صورت درصد تغییرات درآمد ملی یک جامعه نسبت به سال قبل مطرح می شود و در مفهوم کلی خود صرفاً پدیده ای کمی است (لوتز، ۲۰۰۲).<sup>۴</sup>

#### • توسعه اقتصادی<sup>۵</sup>

توسعه ی اقتصادی علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساخت های نهادی، اجتماعی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است. به طور کلی، مقوله ی توسعه ی اقتصادی علاوه بر آن که رشد اقتصادی را در بر می گیرد، ابعاد کیفی دیگری مانند ارتقاء سطح استاندارد زندگی و رفاه را هم در بطن خود داراست (کلمن و نیکسون، ۱۹۹۳).<sup>۶</sup>

#### • کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)

این سازمان، سازمانی بین المللی است که در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد و شامل ۵۷ کشور اسلامی است که به دنبال یکپارچگی اقتصادی و اجتماعی از طریق یکی کردن تلاش ها و تأمین امنیت و رفاه مردم خود و دیگر مسلمانان می باشند. کشورهای عضو این سازمان، حدود یک پنجم جمعیت جهان را تشکیل می دهند، به

<sup>۱</sup>-Income Distribution Inequality

<sup>۲</sup>-Black(2003)

<sup>۳</sup>-Economic Growth

<sup>۴</sup>-Lutz(2002)

<sup>۵</sup>-Economic Development

<sup>۶</sup>-Colman Vanikson\ (1993)



طوری که قادرند از طریق همکاری های اقتصادی و سیاسی نقش بارزی را در عرصه ی بین المللی ایفا نمایند  
(سایت اینترنتی SESRTCIC).

• سرمایه انسانی<sup>۱</sup>

مهارت ها، ظرفیت ها و توانایی هایی که یک فرد در طول دوران زندگی خویش کسب می کند و  
موجب بهبود در کیفیت نیروی انسانی شده و از طریق افزایش کمیت و کیفیت تولید، درآمد دارنده ی این قابلیت  
ها را افزایش می دهد (بینگ جو، ۱۹۹۸)<sup>۲</sup>.

---

<sup>۱</sup> -Human Capital

<sup>۲</sup> - Beyengju (1998)

## فصل دوم :

### مروری بر ادبیات موضوع

#### ۱-۲- مقدمه

تبیین ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد از عرصه های چالش برانگیز اقتصاد است. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، اکثریت قریب به اتفاق اقتصادشناسان بر این عقیده بودند که نابرابری درآمد و ثروت، انگیزه لازم برای انباشت سرمایه و رشد اقتصادی را فراهم می کند. دیدگاه مشابهی قایل به وجود مبادله گریز ناپذیری بین کارایی و برابری بود، درحالی که افزایش کارایی مستلزم برابری بیشتر بین آحاد اقتصادی تلقی می گردید، برابری باز توزیع درآمد ثروت را ضروری می نمود. هرچند نظریات فوق برای سال های طولانی بر اقتصاد مسلط بوده و به عنوان یک واقعیت مسلم در برنامه های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تلقی می گردید، به تازگی برخی اقتصادشناسان مدعی شده اند که نابرابری ممکن است برای رشد اقتصادی زیانبخش باشد. اقتصاد شناسان از اوایل دهه ۱۹۹۰ به تبیین نظری ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در قالب مدل های کلان بر پایه اقتصاد خرد پرداختند. در این فصل ابتدا تعاریفی از رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی بیان می گردد. پس از آن

نظریات اولیه رشد اقتصادی بیان شده و سپس در بخش بعدی به نظریات جدید پرداخته می شود. در قسمت ۲-۵ مروری بر مطالعات انجام شده اخیر در خصوص بررسی رابطه بین نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی صورت می پذیرد.

## ۲-۲- مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی

چارلز کیندلبرگر اقتصاددان برجسته آمریکا (۱۹۵۸)، در کتاب خود تحت عنوان توسعه اقتصادی مفاهیم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی را اینگونه بیان می کند:

((رشد اقتصادی به عنوان یک پدیده کمی، تغییر در میزان تولیدات یا به عبارت دیگر تغییر در تولید خالص سالانه ملی و در نتیجه درآمد ملی است. این تغییرات ممکن است در جهت مثبت صورت گیرد و از این رو رشد اقتصادی مثبت خواهد بود. همچنین ممکن است تغییرات مزبور منفی باشد که در این صورت رشد اقتصادی منفی خواهد بود. اگر رشد اقتصادی برابر با صفر باشد، تغییری در درآمد ملی به وجود نمی آید. بنابراین، رشد اقتصادی در مفهوم کلی خود عبارت است از افزایش مداوم تولید خالص سالانه ملی به قیمت های ثابت؛ و این معمولاً از طریق استفاده بیشتر از عوامل تولید، به فرض آنکه شرایط تکنیکی در اقتصاد ثابت باشد، انجام می گیرد.))

در توسعه اقتصادی، محور اصلی بحث این سوال است که چطور می توان ظرفیت تولیدی را در اقتصاد افزایش داد؟ افزایش ظرفیت تولیدی، مسئله اقتصادی بلند مدتی است که با برنامه ریزی های اقتصادی انجام می پذیرد. از این رو، توسعه اقتصادی به عنوان برنامه بلند مدت اقتصادی و پدیده کیفی فقط افزایش در میزان تولیدات نیست، بلکه تمامی تغییرات فنی، بنیادی و سازمانی در چگونگی طرز تولید و سرمایه گذاری در صنایع زیربنایی اقتصاد (مانند آب و برق، راه آهن، بهداشت، فرهنگ و غیره) را در بر می گیرد.

توسعه اقتصادی را می توان از دو دیدگاه بررسی کرد. نخست، از دیدگاه رشد اقتصادی که عبارت است از افزایش تولید خالص سالانه ملی واقعی به قیمت های ثابت به طور مداوم. از آنجا که توسعه اقتصادی یک پدیده کیفی است، از این دیدگاه استفاده از تکنولوژی پیشرفته در شرایطی که عوامل تولید معلوم و ثابتند، منجر به رشد اقتصادی می شود. هرگاه تولیدات واقعی را در زمان  $t=0$  با  $Y_0$  و در زمان  $t=1$  با  $Y_1$  نشان دهیم، در صورتی که  $Y_1 > Y_0$  باشد، رشد اقتصادی مثبت و اگر  $Y_1 < Y_0$  باشد رشد منفی است و در حالتی که  $Y_1 = Y_0$  باشد،

هیچ گونه رشدی نخواهیم داشت. در وضعیتی که رشد اقتصادی مثبت است، هرگاه نرخ آن ( $r_Y$ ) در مقایسه با سال مینا مورد نظر باشد، فرمول زیر مطرح می شود:

$$r_Y = \frac{Y_1 - Y_0}{Y_0} = \frac{\Delta Y}{Y}$$

در این روش ساده، تغییرات تولید خالص سالانه ملی ( $\Delta Y$ ) را به صورت نسبتی از سطح اولیه ( $Y$ ) بیان شده است. به همین روش برای نرخ رشد جمعیت نیز فرمول زیر مطرح می شود:

$$r_V = \frac{V_1 - V_0}{V_0} = \frac{\Delta V}{V}$$

که در آن ( $r_V$ ) نرخ رشد جمعیت و ( $\Delta Y$ ) تغییرات رشد جمعیت است که به صورت نسبتی از سطح اولیه ( $V$ ) بیان می شود.

دوم، از دیدگاه رفاه اقتصادی بدین معنا که هرگاه منظور از رشد اقتصادی نشان دادن رفاه فردی باشد، باید تولید سرانه یا درآمد سرانه را محاسبه کرد. در این وضعیت درآمد سرانه از تقسیم درآمد ملی به جمعیت کل کشور حاصل می گردد. بنابراین، هرگاه  $V_0$  جمعیت کل یک کشور در زمان  $t=0$  و  $V_1$  جمعیت در زمان  $t=1$  باشد، با همان شرایط قبلی برای تولیدات واقعی در این دو زمان، رشد مثبت اقتصادی (یا رشد مثبت تولید سرانه یا درآمد سرانه) هنگامی به وجود می آید که:

$$\frac{Y_1}{V_1} > \frac{Y_0}{V_0}$$

هرگاه فرض شود که رشد اقتصادی ( $r_Y$ ) و رشد جمعیت ( $r_V$ ) هر دو یکسانند، رشد تولید سرانه در چنین شرایطی برابر با صفر خواهد بود.

رشد اقتصادی، شرط لازم برای توسعه اقتصادی محسوب می گردد، اما به هیچ وجه شرط کافی نیست. در بررسی توسعه اقتصادی از دیدگاه رفاه اقتصادی و به عنوان یک پدیده کیفی متغیرهای دیگری نیز مطرح می شود. یکی از این متغیرها رشد جمعیت است که باید با رشد اقتصادی مقایسه شود. متغیرهای دیگر عبارتند از: نحوه توزیع درآمد سرانه در قالب توزیع درآمد ملی، ترکیب تولید خالص سالانه ملی، و سایر عوامل رفاهی که